



سرشناسه:	منعتی، رضا، ۱۳۵۷
عنوان	گفتان مصباح: گزارشی از زندگانی علمی و سیاسی آیت‌الله مصباح یزدی
پدیدآور:	رضا منعتی
مشخصات نشر:	تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری:	۱۳۶ ص؛ محور.
فروست:	مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ ۵۳۹. اندیشه سیاسی ۲۷.
شابک:	۱۰۰/۰۰۰ ریال: 4-281-419-964-978
فهرست‌نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه [۱۰۶۱]-[۱۰۷۲].
عنوان دیگر:	گزارشی از زندگانی علمی و سیاسی آیت‌الله مصباح یزدی.
موضوع:	مصباح - محدثی ۱۳۱۳ - سرگذشتنامه.
موضوع:	مجتهدان و علما - ایران - سرگذشتنامه.
شاب افزود:	مرکز اسناد انقلاب اسلامی
ردمبندی کنگره:	۱۳۸۷ ۸۶ص/۳/۵۵۵ BP
ردمبندی دیویی:	۲۹۷/۹۹۸
شماره کتابشناسی ملی:	۱۲۰۵۶۶۳

گفتمانِ مصباح

(گزارشی از زندگانی علمی و سیاسی آیت‌الله مصباح یزدی)





انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عنوان: گفت‌و‌مان مصباح

(گزارشی از زندگانی علمی و سیاسی آیت‌الله مصباح‌یزدی)

تألیف: رضا صنعتی

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۸۷

شمارگان: ۲۰۰۰ قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

حروف چینی و لیتوگرافی: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۶۴-۹۶۴-۴۱۹-۲۸۱-۴

ISBN: 978-964-419-281-4

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبه‌روی پمپ‌بنزین اسدی، پلاک ۹۴، ۲۰۹۴.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irde.ir

این اثر یکی از موضوعات
«طرح تدوین تاریخ انقلاب
اسلامی» است که در مرکز اسناد
انقلاب اسلامی تهیه شده و کلیه
حقوق آن برای مرکز محفوظ
می‌باشد.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۲۱	 مقدمه
۲۳	 پیشگفتار
۳۴	 درباره‌ی این کتاب

فصل اول:

۳۹	 نگاهی گذرا به زندگانی علمی، معنوی
۴۱	 آغاز زندگی طلبگی
۴۲	 اساتید سطوح عالی حوزه
۴۳	 کسب درجه‌ی اجتهاد در ۲۳ سالگی
۴۴	 شاگردی علامه طباطبایی در تفسیر، فلسفه و عرفان
۴۷	 نوآوری در فلسفه
۴۸	 شاگردی مرحوم انصاری همدانی
۵۱	 شاگردی آیت‌الله العظمی بهجت
۵۴	 آشنایی با علوم روز
۵۶	 اندیشه‌ی اصلاح حوزه

فصل دوم:

۵۹	 دوران مبارزه
۶۱	 بررسی اتهامات
۶۱	 اتهام فرار از مبارزه

- موضع آیت‌الله مصباح در برابر این اتهام ۶۷
- نقد و بررسی اتهام سرخوردگی از مبارزه ۶۹
- داستان امضای یک اعلامیه ۷۸
- اتهام مخالفت با تحریم جشن نیمه‌ی شعبان ۸۲
- نقد و بررسی اتهام مخالفت با تحریم جشن نیمه‌ی شعبان ۸۳
- آیت‌الله مصباح و نشریات بعثت و انتقام ۸۶
- همکاری در نشریه‌ی بعثت ۸۷
- انتشار نشریه‌ی انتقام ۸۹
- همکاران آیت‌الله مصباح در انتشار انتقام ۹۱
- کیفیت توزیع نشریه‌ی انتقام ۹۵
- اتهام مخالفت با تشکیل حکومت اسلامی قبل از قیام امام زمان (عج) ... ۱۰۰
- گوشه‌ای دیگر از سوابق مبارزات انقلابی آیت‌الله مصباح ۱۰۷
- ۱- تبلیغ مرجعیت حضرت امام؛ ۱۰۷
- ۲- دبیری گروه ولایت ۱۰۹
- ۳- همکاری در سازماندهی روحانیت غیرمتشکل ۱۱۰
- ۴- حمایت از امام و انقلاب با نگارش نامه‌های انقلابی ۱۱۲
- ۵- ارسال مطالب انقلابی برای رادیوهای خارجی ۱۱۶
- ۶- هم‌سنگری با شهیدان مطهری، بهشتی و باهنر ۱۱۷
- ۷- برگزاری جلسات سری در منزل ۱۱۹
- ۸- چاپ و توزیع اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های ضد رژیم ۱۲۰
- ۹- سخنرانی در برخی مجامع ۱۲۱
- ۱۰- ارتباط با هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی ۱۲۲
- ۱۱- عضویت در گروه انقلابی یازده نفره ۱۲۴
- ۱۲- نگارش نامه‌ی تحلیلی برای حضرت امام ۱۲۸
- ۱۳- ساواک در تعقیب آیت‌الله مصباح ۱۳۱
- ۱۴- تعقیب و گریز ۱۳۴

- ۱۵- بازجویی ساواک از آیت‌الله مصباح ۱۳۷
- ۱۶- آیت‌الله مصباح زیر ذره‌بین ساواک ۱۴۲
- ۱۷- مبارزه با اندیشه‌های التقاطی در اوج فعالیت سیاسی ۱۴۳
- ۱۸- مدیریت بخش آموزش مؤسسه‌ی در راه حق ۱۴۸

فصل سوم:

- از پیروزی انقلاب تا خرداد ۷۶ ۱۵۳
- مروری بر اتهامات ۱۵۵
- آیت‌الله مصباح و دفاع مقدس ۱۵۹
- جهاد فرهنگی؛ تکلیف دینی پس از انقلاب ۱۶۳
- فعالیت‌های پس از پیروزی انقلاب ۱۶۵
- ۱- دفاع ثوریک از نظام مقدس جمهوری اسلامی ۱۶۵
- ۲- برگزاری جلسات عمومی برای نقد اندیشه‌های التقاطی ۱۶۹
- ۳- تربیت و اعزام مُبلّغ به نقاط مختلف کشور ۱۷۰
- ۴- تداوم فعالیت در مؤسسه‌ی در «راه حق» و حمایت‌های حضرت امام ۱۷۱
- ۵- شرکت فعال در ستاد انقلاب فرهنگی ۱۷۴
- ۶- مناظره با تئوریسین‌های احزاب سیاسی منحرف ۱۸۱
- ۷- تبیین مباحث بنیادین اندیشه‌ی اسلامی ۱۸۱
- ۸- حضور در کنفرانس‌ها و مجامع علمی بین‌المللی ۱۸۳
- ۹- تربیت معنوی شاگردان ۱۸۸
- ۱۰- تأسیس بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) ۱۸۹
- ۱۱- تأسیس مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۹۱
- ۱۲- مدیر مسئولی نشریه‌ی معرفت ۱۹۷
- ۱۳- راه‌اندازی طرح ولایت ۱۹۸
- ۱۴- عضویت در نهادهای علمی، فرهنگی و سیاسی ۱۹۸

فصل چهارم:

- آیت‌الله مصباح، دکتر شریعتی و شهید بهشتی ۱۹۹
- کاوشی در علل حساسیت علمای دین نسبت به آثار شریعتی ۲۰۱
- الف) اصل اظهار نظرهای غیرمتخصصانه در دین ۲۰۲
- ب) وجود اشتباهات فراوان در آثار شریعتی ۲۰۴
- ج) بت‌سازی از شریعتی و تضعیف روحانیت ۲۰۹
- برخوردهای متفاوت علما ۲۱۰
- نظر آیت‌الله مصباح درباره‌ی دکتر شریعتی ۲۱۶
- تلاش برای بازگشت شریعتی از اشتباهات ۲۱۸
- الف) استمداد از علامه طباطبایی برای پذیرفتن شریعتی ۲۲۱
- ب) تلاش‌های دلسوزانه‌ی آیت‌الله مصباح و رویگردانی شریعتی از ملاقات ۲۲۴
- ج) آیت‌الله مصباح و نقد آثار شریعتی ۲۲۷
- اشتباهات دکتر شریعتی از دیدگاه آیت‌الله مصباح ۲۲۹
- الف) اشتباهات جزئی دکتر شریعتی ۲۲۹
- ب) اشتباهات اساسی دکتر شریعتی ۲۳۳
- منشأ اشتباهات دکتر شریعتی از نگاه آیت‌الله مصباح ۲۴۴
- تأثیرات منفی آثار شریعتی از نگاه آیت‌الله مصباح ۲۵۱
- اتهام تقابلی آیت‌الله مصباح با حضرت امام در مسئله‌ی شریعتی ۲۵۹
- رابطه‌ی آیت‌الله مصباح و شهید بهشتی ۲۷۱
- روابط عاطفی و همکاری‌های آیت‌الله مصباح و شهید بهشتی ۲۷۴
- الف) چگونگی آشنایی ۲۷۴
- ب) همکاری‌های شهید بهشتی و آیت‌الله مصباح ۲۷۴
- ۱- دبیرستان دین و دانش ۲۷۴
- ۲- همکاری با هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی ۲۷۵
- ۳- تحقیق درباره‌ی حکومت اسلامی ۲۷۸

۲۸۱	نمونه‌هایی از نامه‌نگاری شهید بهشتی و آیت‌الله مصباح
۲۸۴	۴- تربیت مبلغ برای خارج از کشور
۲۸۵	۵- همکاری در مدرسه‌ی حقانی
۲۸۸	آیت‌الله مصباح و استعفا از فعالیت در مدرسه‌ی حقانی

فصل پنجم:

۲۹۵	مناظره
۲۹۷	مقطعی دیگر از زندگانی سیاسی آیت‌الله مصباح
۲۹۷	دوم خرداد ۱۳۷۶؛ ناطق نوری و خاتمی
۳۰۱	مناظره یا ایدئولوگ‌های دوم خرداد
۳۰۲	روش‌شناسی آیت‌الله مصباح در مقابله با دین‌ستیزان
۳۰۷	مناظره‌ی اول
۳۰۷	آیت‌الله مصباح و مسئله‌ی آزادی
۳۰۸	۱- انسان و قدرت اختیار
۳۰۹	۲- آزادی اندیشه و بیان
۳۱۲	۳- آیا دین می‌تواند در برابر آزادی قرار بگیرد؟
۳۱۶	۳- آیه‌ی «لا اکراه فی الدین» و حق محدود کردن آزادی
۳۱۸	۴- آزادی پرسش‌گری
۳۱۹	۵- صریحاً بگویید منظورتان از آزادی چیست؟
۳۲۹	مناظره‌ی دوم
۳۲۹	آیت‌الله مصباح و درجه‌بندی شهروندان!
۳۲۹	آغاز ماجرا
۳۲۹	تهاجم به آیت‌الله مصباح
۳۳۶	اصل سخنان آیت‌الله مصباح
۳۴۳	مناظره‌ی سوم
۳۴۳	آیت‌الله مصباح و اتهام تئوری پردازی خشونت

- تیرها و خبرها ۳۴۳
- خاتمی و اتهام تئوریزه کردن خشونت به آیت‌الله مصباح ۳۴۵
- انتقاد گسترده‌ی جبهه‌ی دوم خرداد به سخنان منتسب به آیت‌الله مصباح ۳۴۷
- من سخنان مصباح را نشنیده‌ام، اما او تئورسین خشونت است! ۳۵۷
- موضع آیت‌الله مصباح در مقابل این انتقادات ۳۵۷
- انقصاب فتوای ترور حجابیان به آیت‌الله مصباح ۳۶۱
- جبهه‌ی دوم خرداد به دنبال اعدام، ترور و اخراج مخالفان خود! ۳۷۲
- موضع آیت‌الله مصباح درباره‌ی ترور حجابیان ۳۷۷
- دلایلی بر عدم وابستگی تیم ترور به شخص یا گروهی خاص ۳۷۸
- ۱- سکوت هیئت‌های پیگیر پرونده‌ی ترور ۳۷۹
- ۲- ترورهای قبل از ترور حجابیان ۳۸۰
- ۳- اعتراف عاملان ترور در دادگاه ۳۸۲
- خشونت در اسلام از نگاه آیت‌الله مصباح ۳۸۲
- ۱- تعریف واژه‌ی خشونت ۳۸۲
- ۲- تفاوت خشونت و قاطعیت ۳۸۴
- ۳- اصل در اسلام رحمت است اما ۳۸۶
- ۴- خشن جلوه دادن اسلام و نفی مطلق خشونت در روی یک سکه‌اند ۳۹۲
- نفی قوانین اسلامی در قالب مبارزه با خشونت ۳۹۵
- ۵- جهاد و مساجزات اسلامی از مصادیق خشونت ممدوح است ۴۰۱
- ۶- قرآن و دستور ارهاب ۴۰۶
- ۷- تجلیل از شهید نواب صفوی ۴۱۱
- تهاجم جبهه‌ی دوم خرداد به شهید نواب صفوی ۴۲۰
- استدلال آیت‌الله مصباح در دفاع از شهید نواب صفوی ۴۲۹
- ۸- محکومیت اعمال خودسرانه در صورت وجود دولت کارآمد

اسلامی	۴۳۱
۹- مراددی که اعمال خشونت از طرف مردم جایز است!	۴۳۴
۹-۱- اگر دولت ناکارآمد بود	۴۳۴
۹-۲- اگر کیان نظام اسلامی در خطر افتاد	۴۳۶
۹-۳- دفاع از جان، مال و ناموس در صورت عدم دسترسی به پلیس	۴۳۹
۹-۴- دفاع از مقدسات دین در صورتی که تشکیل دادگاه ممکن نباشد	۴۴۱
امام خمینی (ره) و مسئله‌ی امانت به مقدسات اسلام	۴۴۵
تلاش در جهت نفی حکم ارتداد در اسلام	۴۴۸
آیت الله مصباح و دعوت از منتقدان برای مناظره	۴۵۱
مناظره با حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد حجتی کرمانی	۴۵۲
تأیید مواضع آیت الله مصباح توسط رئیس جمهور!	۴۵۵
حکم حکومتی مقام معظم رهبری در مسئله‌ی خشونت	۴۵۷
مناظره‌ی چهارم	۴۶۷
آیت الله مصباح و مخالفت با «تساهل و تسامح»	۴۶۷
واکنش جبهه‌ی دوم خرداد به مخالفت آیت الله مصباح	۴۶۷
تساهل و تسامح از نگاه آیت الله مصباح	۴۶۹
۱- تفاوت تساهل با شریعت سهله	۴۶۹
۲- مدارا! معنای مثبت تساهل و تسامح	۴۷۲
۳- انواع مدارا	۴۷۳
۳-۱- مدارا در مسائل شخصی	۴۷۳
۳-۲- مدارا در تعلیم و تربیت	۴۷۳
۳-۳- مدارا با مخالفان عقیدتی غیرمعاند	۴۷۴
۳-۴- مدارا در مقام بحث و گفتگو	۴۷۴
آیت الله مصباح و مدارا با نسل جوان	۴۷۷

- ۴۸۰ ماجرای نشریه‌ی موج
- ۴۸۲ ۴- مداهنه؛ معنای منفی تساهل و تسامح
- ۴۸۵ مناظره‌ی پنجم
- ۴۸۵ وضعیت فرهنگی جامعه از زمان خلقت حضرت آدم (ع) تا کنون!
- ۴۸۵ ماجرا از کجا شروع شد؟
- ۴۸۷ اصل سخنان آیت‌الله مصباح
- ۴۹۶ آیت‌الله مصباح و اعتقاد به گرایش روزافزون جوامع بشری به معنویت ...
- ۵۰۱ مناظره‌ی ششم
- ۵۰۱ آیت‌الله مصباح و قرائت‌های مختلف از دین
- ۵۰۱ نمونه‌هایی از تیترو روزنامه‌ها
- ۵۰۳ تهاجم جبهه‌ی دوم خرداد
- ۵۱۴ معنای لغوی و زمینه‌ی پیدایش پلورالیسم
- ۵۱۵ معنای اول: همزیستی مسالمت‌آمیز
- ۵۱۶ بررسی معنای اول
- ۵۲۰ معنای دوم: دین واحد با چهره‌های مختلف
- ۵۲۲ بررسی معنای دوم
- ۵۲۴ معنای سوم: نفی حقیقت واحد
- ۵۲۵ معنای چهارم: حقیقت، مجموعه‌ای از اجزا و عناصر پراکنده
- ۵۲۶ بررسی معنای سوم و چهارم پلورالیسم دینی
- ۵۲۸ نتیجه‌گیری کلی از بحث پلورالیسم دینی
- ۵۳۱ مناظره‌ی هفتم
- ۵۳۱ آیت‌الله مصباح و مناظره با دکتر سروش
- ۵۳۱ دکتر سروش و امتناع از مناظره
- ۵۳۲ موضع آیت‌الله مصباح
- ۵۳۳ خاطره‌ای از حجت‌الاسلام والمسلمین محسن غروی‌ان
- ۵۳۵ سروش و امتناع از مناظره با دیگر شخصیت‌ها

۵۳۹	مناظره‌ی هشتم
۵۳۹	آیت‌الله مصباح و نظریه‌ی «ولایت مطلقه‌ی فقیه»
۵۳۹	مروری بر دیدگاه‌های مختلف در باب منشأ مشروعیت حکومت
۵۴۰	۱- خدا هم حق حاکمیت ندارد!
۵۴۱	۲- حکومت عرفی است نه شرعی!
۵۴۳	۳- مشروعیت دوگانه (در همه‌ی زمان‌ها)
۵۴۴	۴- مشروعیت دوگانه (در زمان غیبت)
۵۴۶	۵- مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی (در همه‌ی زمان‌ها)
۵۴۷	نظر آیت‌الله مصباح درباره‌ی مشروعیت حکومت
۵۵۴	۱- استدلال آیت‌الله مصباح بر مشروعیت الهی فقیه
۵۵۷	۲- نفی مشروعیت تلفیقی
۵۵۹	۳- امام خمینی (ره) و نظریه‌ی نصب الهی ولی فقیه
۵۶۲	۴- نسبت حکومت اسلامی با حکومت‌های تئوکراسی
۵۶۲	۵- اختیارات ولی فقیه بیش از موارد اصل ۱۱۰ قانون اساسی
۵۶۵	است
	جبهه‌ی دوم خرداد و اعتراض به مواضع آیت‌الله مصباح درباره‌ی اختیارات
۵۶۶	ولی فقیه
	مواضع آقای کروبی در واکنش به سخنان آیت‌الله مصباح در صحن علنی
۵۷۰	مجلس!
۵۷۳	پاسخ دفتر آیت‌الله مصباح به سخنان آقای کروبی
۵۸۰	واکنش قائم مقام مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۵۸۴	پاسخی به مقاله‌ی قائم مقام مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۵۹۵	مناظره‌ی نهم
۵۹۵	آیت‌الله مصباح، مردم‌سالاری و جمهوری اسلامی
۵۹۵	نمونه‌هایی از تیرهای نشریات جبهه‌ی دوم خرداد
۵۹۷	تجاجمی تازه به بنیانه‌ی دفاع از مردم‌سالاری

- مردم سالاری از نگاه آیت الله مصباح یزدی ۶۱۱
- ۱- مقبولیت مردمی شرط تحقق حکومت اسلامی ۶۱۱
- ۲- جمهوری اسلامی؛ آری، حکومت دموکراتیک؛ هرگز! ۶۱۴
- ۳- «جمهوری اسلامی» قلابی است که اسلام در آن جلوه می کند ۶۱۶
- ۴- مخالفت با تحریف شعار انقلاب! ۶۲۳
- ۵- جمهوریت ناب پذیرفتنی نیست ۶۲۷
- ۵-۱- گذشتگان و حق تعیین سرنوشت برای ما ۶۲۷
- ۵-۲- میزان رأی ملت است! ۶۳۲
- ۵-۳- حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش ۶۳۹
- ۶- مردم سالاری در عرصه ی قانون گذاری ۶۴۲
- ۷- مردم سالاری در عرصه ی انتخابات ۶۴۴
- اهمیت حضور و دقت مردم در عرصه ی انتخابات ۶۴۶
- مطبوعات جبهه ی دوم خرداد و ادعای اهانت آیت الله مصباح به اکثریت مردم! ۶۴۹
- ۸- وظیفه ی حاکم پس از تشکیل حکومت اسلامی ۶۵۳
- امام خمینی (ره) و حفظ نظام اسلامی ۶۶۰
- ۹- طرحی نو از مردم سالاری دینی ۶۶۲
- امتیازات طرح از منظر آیت الله مصباح ۶۶۸
- مناظره ی دهم ۶۷۱
- ماجرای چمدان دلار سیا! ۶۷۱
- انتشار یک خبر، آغاز یک ماجرا! ۶۷۱
- بازتاب خبر ارسال چمدان دلار «سازمان سیا» برای مطبوعات ایران ۶۷۱
- توضیحات آیت الله مصباح درباره ی چمدان دلار ۶۷۳
- انتقادات همچنان ادامه یافت ۶۷۸
- مناظره ی یازدهم ۶۸۳

داستان کاریکاتور روزنامه‌ی آزاد و تحصن حوزه‌ی علمیه‌ی قم.....	۶۸۳
آغاز ماجرا.....	۶۸۳
انتساب برپایی تحصن به آیت‌الله مصباح.....	۶۸۴
مناظره‌ی دوازدهم.....	۶۸۷
عملکرد فرهنگی دولت خاتمی و مناظره با عطاءالله مهاجرانی.....	۶۸۷
عملکرد فرهنگی دولت خاتمی.....	۶۸۷
نمونه‌هایی از هشدارها و اعتراضات آیت‌الله مصباح به جو فرهنگی کشور.....	۶۹۴
مقام معظم رهبری و اعتراض به عملکرد مهاجرانی.....	۷۰۴
وعده‌ای که هرگز عملی نشد.....	۷۰۵
مهاجرانی و دعوت از آیت‌الله مصباح برای شرکت در یک مناظره‌ی تلویزیونی.....	۷۱۲
تساهل در شعار، خشونت در عمل!.....	۷۲۴
مناظره‌ی سیزدهم.....	۷۳۳
آیت‌الله مصباح و مخالفت با شعار «ایران برای همه‌ی ایرانیان».....	۷۳۳
آغاز ماجرا.....	۷۳۳
استدلال آیت‌الله مصباح در مخالفت با این شعار.....	۷۳۴
عکس‌العمل جبهه‌ی دوم خرداد در مقابل سخنان آیت‌الله مصباح.....	۷۳۵
مناظره‌ی چهاردهم.....	۷۴۳
ماجرای تحصیلکردگان و مخالفت با اجرای حدود اسلامی!.....	۷۴۳
آغاز ماجرا؛ انتشار خبری دیگر.....	۷۴۳
اعتراض بخشی از جبهه‌ی دوم خرداد.....	۷۴۴
تأیید مضمون سخنان منتسب به آیت‌الله مصباح از جانب بخشی از جبهه‌ی دوم خرداد!.....	۷۵۱
توضیحات آیت‌الله مصباح درباره‌ی سخنان خود.....	۷۵۸
مناظره‌ی پانزدهم.....	۷۶۳
آیت‌الله مصباح و لزوم اجرای حکم اعدام آغاچری.....	۷۶۳

- جایگاه حکم ارتداد در اسلام. ۷۶۳
- سخنان آغاچری در اهانت به مقدسات دین. ۷۶۷
- حکم دادگاه بدوی مبنی بر اعدام آغاچری. ۷۷۱
- بازتاب حکم اعدام آغاچری. ۷۷۳
- انتشار خبر یادداشت مقام معظم رهبری به آیت‌الله هاشمی شاهرودی. ۷۷۴
- آیت‌الله مصباح و حمایت از حکم اعدام آغاچری. ۷۷۶
- حمایت سلمان رشدی از آغاچری. ۷۸۰
- سرانجام دادگاه آغاچری. ۷۸۱
- مناظره‌ی شانزدهم. ۷۸۷
- ماجرای رشوه‌ی ۵۰۰ میلیون دلاری برای خرید مسئولان. ۷۸۷
- اصل سخنان آیت‌الله مصباح چه بود؟ ۷۹۳
- جوابیه‌ی دفتر آیت‌الله مصباح. ۷۹۶
- مناظره‌ی هفدهم. ۸۰۱
- ماجرای رباخواری نظام جمهوری اسلامی! ۸۰۱
- آغاز ماجرا؛ انتشار بخش‌هایی از سخنان آیت‌الله مصباح در نماز جمعه‌ی تهران. ۸۰۱
- نمونه‌هایی از اعتراض مستقدان. ۸۰۳
- سخنان و پاسخ‌های آیت‌الله مصباح. ۸۱۴
- ۱- نظام جمهوری اسلامی ما «از رباخوارترین» نظام‌های عالم شده است! ۸۱۴
- ۲- منظورم از نظام، نظام اقتصادی بود! ۸۱۶
- ۳- آثار بالا بودن نرخ بهره‌ی بانکی بر اقتصاد کشور. ۸۱۶
- ۴- مشکل اصلی ما در اجراست؛ نه قانون. ۸۱۷
- ۵- آیت‌الله مصباح و مصادیقی از ربا در نظام اقتصادی ما. ۸۲۰
- ۶- رشد اقتصادی ناشی از افزایش قیمت نفت، مسئله‌ای غیراختیاری است. ۸۲۴

- ۷- انتقاد به معنای تضعیف نظام نیست ۸۲۵
- مناظره‌ی هجدهم ۸۲۹
- آیت‌الله مصباح و نهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ۸۲۹
- روند شکل‌گیری نهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ۸۲۹
- ویژگی‌های لازم برای ششمین رئیس جمهور در کلام مقام معظم رهبری .. ۸۳۷
- مواضع آیت‌الله مصباح در انتخابات ۸۳۹
- ۱- به سوی دولت اسلامی ۸۳۹
- ۲- شرکت در انتخابات واجب است ۸۴۳
- ۳- شناخت و رأی دادن به اصلح یک تکلیف است ۸۴۶
- ۴- اصلح کسی است که دلش بیشتر برای دین بسوزد ۸۴۷
- ۵- الهام از قیام امام حسین (ع) ۸۵۱
- ۶- سکوت جایز نیست! ۸۵۵
- ۷- رئیس جمهور رجائی‌گونه انتخاب کنید ۸۵۶
- ۸- توجه دادن به تأثیر دعا و توسل ۸۵۸
- ۹- آیت‌الله مصباح و حمایت از دکتر احمدی‌نژاد ۸۵۸
- ۱۰- نفی صلاحیت برخی از کاندیداها ۸۶۲
- ۱-۱۰- صرف روحانی بودن امتیاز نیست ۸۶۳
- ۲-۱۰- انتقاد از حامیان مدل غربی توسعه ۸۶۶
- ۳-۱۰- انتقاد از حامیان سازش با اسرائیل ۸۶۷
- ۴-۱۰- بی‌توجهی برخی از نامزدها به مسائل فرهنگی ۸۶۷
- ۵-۱۰- انتقاد از نوع نگرش برخی از کاندیداها به جایگاه ۸۷۱
- مصلحت در اسلام ۸۷۱
- ۶-۱۰- انتقاد از نوع نگرش برخی افراد به مسئله‌ی ولایت فقیه ۸۷۴
- ۷-۱۰- انتقاد از عدم موضوع‌گیری برخی از کاندیداها در مقابل ۸۷۶
- گروه‌های فاسد ۸۷۶
- ۱۱- غیبت گاهی واجب است ۸۷۶

- برخی از مواضع آیت‌الله مصباح پس از انتخابات ۸۷۹
- ۱- سابقه‌ی آشنایی آیت‌الله مصباح و دکتر احمدی‌نژاد ۸۷۹
- ۲- امکانات مؤسسه‌ی امام خمینی (ره) و تبلیغات انتخاباتی ۸۸۰
- ۳- این انتخابات مشحون به کرامات و معجزات بود ۸۸۱
- ۴- تنها کاندیدایی که از اسلام و انقلاب اسم برد! ۸۸۵
- ۵- لزوم احترام به بزرگانی که از دیگر کاندیداها حمایت کرده بودند ۸۸۷
- تحلیلی بر نتیجه‌ی نهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ۸۸۷
- جبهه‌ی دوم خرداد و شوک شکست! ۹۰۳

فصل ششم:

- آیت‌الله مصباح از نگاه مقام معظم رهبری ۹۱۳
- آیت‌الله مصباح از نگاه مقام معظم رهبری ۹۱۵

فصل هفتم:

- ضمائم ۹۲۳
- معرفی آثار منتشره شده‌ی آیت‌الله مصباح یزدی ۹۲۵
- آیت‌الله مصباح در مطبوعات ۹۳۷
- اسناد و مدارک ۹۸۳
- کتابنامه ۱۰۶۱
- نمایه ۱۰۷۳

مقدمه

آیت الله مصباح یزدی از جمله شخصیت هایی است که فعالیت ها و مواضع وی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در خور مطالعه و بررسی عمیق می باشد. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تحصیلی در حوزه و بهره گیری از اساتید مبرز در علوم حوزوی او را یکی از فضیلات مطرح حوزه علمیه ساخت. در کنار تحصیل علوم دینی مواضع سیاسی ایشان نیز بسیار مهم است که شرکت فعال در صحنه های مختلف انقلاب و مبارزه با اندیشه های التقاطی از جمله ی آنها است.

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در رد و مناظره با اندیشه های التقاطی و مارکسیستی، انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها و تحول در حوزه ی علمیه ی قم و تربیت شاگردان بارز نقشی کم نظیر داشت.

اما نقش آیت الله مصباح پس از پیروزی حجة الاسلام والمسلمین خاتمی در انتخابات پنجمین دوره ی ریاست جمهوری و عملکرد جبهه ی دوم خرداد در تبلیغ شعار «تساهل و تسامح فرهنگی» بسیار بارز و برجسته شد که در ضمن این موضع گیری ها متحمل اتهامات فراوانی گشت.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی در راستای تحقق اهداف خویش و شناساندن شخصیت های تأثیرگذار بی پیرایه، افکار و موضع گیری آنها به چاپ این اثر اقدام کرده است که امید است راهشگای نسل های بعدی باشد.

در پایان ضمن تقدیر و تشکر از نویسنده ی کتاب، از زحمات همکاران معاونت محترم انتشارات قدردانی می شود.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیشگفتار

نام آیت الله محمد تقی مصباح یزدی با بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی و نیز تاریخ تحولات حوزه‌ی علمیه‌ی قم پیوندی ناگسستنی دارد.

او فقه و اصول را در مکتب بزرگانی چون امام خمینی ره و حضرات آیات بروجردی ره، اراکی ره و بهجت آموخته و در اخلاق و عرفان از بزرگانی چون علامه طباطبایی ره، آیت الله بهجت و آیت الله انصاری ره همدانی ره بهره‌ها برده است. آیت الله مصباح بیش از همه از محضر علامه طباطبایی ره استفاده کرده است، چرا که علاوه بر عرفان و اخلاق در فلسفه و تفسیر نیز از شاگردان خاص وی به حساب می‌آید تا حدی که علامه، خود، او را شریک در تفسیر المیزان معرفی کرده است.

استعداد سرشار آیت الله مصباح در کنار برخورداری از چنین استادان بزرگ، روحی لطیف، اخلاقی برجسته، منطقی قوی، ذهنی جَوّال و بینشی عمیق برای او به ارمغان آورده که بهترین میدان بروز این ویژگی‌ها را می‌توان در جهاد علمی وی در برابر موج سیل آسای شبهات دین‌ستیزان یافت.

اما جدای از تفکرات دینی و فلسفی و پاسخ‌های متین و محکم آیت الله مصباح به شبهات فکری روز، آنچه باعث اشتها و برجستگی شخصیت ایشان شده و وی را در کانون توجه همگان قرار داده است مواضع فرهنگی و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی وی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون می‌باشد.

نقد‌های جدی آیت الله مصباح بر پاره‌ای از اندیشه‌ها و تفکرات دکتر شریعتی اولین

چالش فکری - سیاسی ایشان با بسیاری از گروه‌ها و شخصیت‌ها بود؛ چالشی که در یک سوی آن آیت‌الله مصباح و سوی دیگر آن بسیاری از شخصیت‌های موجه و بزرگ انقلاب قرار داشتند. گرچه تاریخ، بسیاری از مواضع گذشته‌ی مصباح یزدی و منتقدان او درباره‌ی شریعتی را به‌طور دقیق و کامل ثبت نکرده، به همین دلیل نمی‌توان درباره‌ی همه‌ی آنها قضاوتی دقیق داشت. اما آنچه امروز برای اولین بار در این کتاب منتشر می‌شود، شاید مستندترین روایت از مهم‌ترین انتقادات آیت‌الله مصباح بر اندیشه‌های دکتر شریعتی باشد.

شهید بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله طالقانی و برخی دیگر از بزرگان انقلاب نیز گرچه غالباً به اشتباهات مهم دکتر معترف بودند، اما در نوع برخورد با اندیشه‌های او روشی متفاوت را برگزیدند. این اختلاف روش تا حدی بود که روابط گرم و صمیمی آیت‌الله مصباح با برخی از این بزرگان را برای مدتی به سردی متمایل ساخت.



شهید بهشتی از نزدیک‌ترین دوستان آیت‌الله مصباح بود که همکاری‌های بسیار گسترده و دامنه‌داری را سامان داده بودند. آخرین همکاری مصباح با شهید بهشتی به اداره‌ی مدرسه‌ی حقانی ارتباط پیدا می‌کرد؛ مدرسه‌ی علمیه‌ای که طرح نوین آن محصول اندیشه‌ی مرقی شهید بهشتی بود و مدیریت اجرایی آن را شهید قدوسی بر عهده داشت و از همکاری آیت‌الله جنتی و آیت‌الله مصباح در هیئت مدیره بهره می‌برد. نفوذ اندیشه‌های شریعتی در این مدرسه با واکنش آیت‌الله مصباح مواجه شد و همین امر دو جبهه را در میان طلاب مدرسه‌ی حقانی شکل داد: گروهی مخالف سرسخت شریعتی و گروهی دیگر دوستدار و حامی جدی او شدند. مشاجرات این دو گروه حتی گاهی موجب بروز بد اخلاقی‌هایی میان آنها می‌شد تا حدی که شهید بهشتی در سخنانی در جمع طلاب این مدرسه از مشاجرات میان هر دو گروه از طلاب به شدت انتقاد کرد. شهید بهشتی در عین حال روش آیت‌الله مصباح را در نقد شریعتی نپسندید و بر برخی از مواضع ایشان خرده گرفت، ولی آیت‌الله مصباح که مخالفت با اندیشه‌های شریعتی را تکلیف شرعی خود می‌دانست و از وضعیت موجود مدرسه ناراحت بود، تصمیم گرفت

تا از ادامه‌ی همکاری با آن مدرسه استعفا دهد.

استعفای آیت‌الله مصباح نه تنها جوّ متشنّج مدرسه را آرام نکرد، بلکه بر شدت اختلافات افزود. هیئت مدیره نیز تصمیم گرفت برای کنترل جوّ مدرسه شش نفر از موافقان و شش نفر از مخالفان سرسخت شریعتی را از مدرسه اخراج کند. با اجرای این تصمیم هیجده نفر دیگر از مخالفان دکتر خواستار بازگشت دوستان خود به مدرسه شدند و اعلام کردند که در صورت عدم برگشت دوستانشان به مدرسه به جمع شش نفره‌ی آنها خواهند پیوست، اما هیئت مدیره همچنان بر اخراج آنها اصرار ورزید و بدین ترتیب ۱۸ نفر دیگر از مدرسه بیرون رفتند و حلقه‌ی اولیه‌ی شاگردان مصباح شکل گرفت.^(۱)

شهید مطهری نیز که ابتدا با دعوت از شریعتی به حسینیه‌ی ارشاد بیشترین نقش را در شهرت او داشت، سرانجام روشی شبیه به آیت‌الله مصباح را برگزید و حتی به انتقاد صریح از روش برخی از روحانیان شناخته شده همچون شهید بهشتی پرداخت. و بالاخره امام خمینی رحمه‌الله که در آن مقطع طرح هر مسئله‌ای جز مبارزه با شاه و تشکیل حکومت اسلامی را انحراف از مسیر انقلاب می‌دانست، با ارسال پیامی به ایران خواستار پایان دادن به مباحث اختلاف‌برانگیزی چون کتاب «شهید جاوید» و «مسئله‌ی علی شریعتی» شد و بدین‌گونه آتش اختلافات برای مدتی فرو نشست.



همزمان با استعفای آیت‌الله مصباح از مدرسه‌ی حقانی، «مؤسسه‌ی در راه حق» که توسط آیت‌الله خرازی و آیت‌الله استادی با هدف پاسخگویی به شبهات نسل جوان و مقابله با اندیشه‌های مارکسیستی تأسیس شده بود، از آیت‌الله مصباح برای راه‌اندازی بخش آموزش دعوت کرد و او که پذیرش این دعوت را فرصتی مناسب برای تربیت طلاب مستعد می‌دید، دعوت را پذیرفت. بدین ترتیب بخش آموزش مؤسسه‌ی در راه حق با مدیریت مستقل وی راه‌اندازی شد. در این میان شاگردان ایشان که از ادامه‌ی تحصیل در مدرسه‌ی حقانی محروم شده و در سایه‌ی حمایت‌های استاد خویش، با هم

۱. برگرفته از مصاحبه‌ی نویسنده با حجة الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آفانهرانی

در خانه‌ی اجاره‌ای زندگی می‌کردند، جذب کلاس‌های مؤسسه شده و دوره‌ی جدیدی از زندگی علمی خود را آغاز کردند.

* * *

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از دیگر دوستان آیت‌الله مصباح بود. این دو گرچه در برخی از مسائل لزوماً دیدگاه مشترکی نداشتند، اما مبارزه با رژیم طاغوت هدف مشترکی بود که از جانب آنها دنبال می‌شد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این میان بیش از هر چیز به مبارزه‌ی صریح و سیاسی با رژیم می‌پرداخت، ولی مبارزات آیت‌الله مصباح غالباً مخفیانه و بیش از آنکه سیاسی باشد، فرهنگی بود.

انتشار دو نشریه‌ی «بعثت» و «انتقام» به خوبی بیانگر اختلاف سلیقه‌ی این دو مبارز انقلابی در روش‌های مبارزاتی آنهاست. نشریه‌ی بعثت که نقش هاشمی رفسنجانی در آن پررنگ‌تر از مصباح بود، بیشتر جنبه‌ی سیاسی، پرخاش و افشاگری علیه رژیم داشت و نشریه‌ی انتقام که توسط آیت‌الله مصباح منتشر می‌شد، جنبه‌ی ایدئولوژیکی‌اش قوی‌تر بود. راه‌اندازی هیئت یازده نفره، نوشتن برخی از اعلامیه‌های ضد رژیم، تلاش برای چاپ و توزیع برخی از اعلامیه‌های حضرت امام خمینی رحمه‌الله، اداره‌ی مراسم جشن آزادی امام و نگارش قطعنامه‌ی آن، سازماندهی مبارزات روحانیت، همکاری با هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی، تحقیق درباره‌ی شکل حکومت اسلامی و... از دیگر همکاری‌های مشترک آن دو بود. در کنار این همکاری‌ها البته اختلاف‌نظرهایی نیز میان این دو مبارز انقلابی وجود داشت.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی معتقد بود که با استفاده از ظرفیت سازمان مجاهدین خلق و دکتر شریعتی می‌توان انقلاب را سریع‌تر به پیروزی رساند، اما مصباح اعتقاد داشت که میدان دادن به این گرایش‌ها ماهیت اسلامی انقلاب را حتی در صورت به ثمر رسیدن آن خدشه‌دار خواهد کرد. البته هاشمی مدت‌ها قبل از آشکار شدن انحراف سازمان مجاهدین خلق به اشتباه خود در حمایت از این سازمان پی‌برد و علاوه بر قطع کمک‌های مالی به آنها، به انتقاد صریح از این سازمان پرداخت. هاشمی حتی در پاسخی صریح به انتقاد «بهرام آرام» (از سران سازمان مجاهدین خلق) نسبت به قطع کمک‌های مالی خود، گفت: «شما با شاه مبارزه می‌کنید که کسی مثل استالین را سرکار بیاورید، ولی ما مبارزه

می‌کنیم که مرام حضرت علی علیه السلام را به جای شاه بیاوریم»^(۱)

به هر حال نقش ممتازی که هاشمی در افشای چهره‌ی نفاق و عبور دادن کشور از بحران‌ها داشت و حمایت‌های بی‌دریغ امام خمینی رحمه الله از وی موجب به فراموشی سپردن کدورت‌های گذشته‌ی مصباح و هاشمی شد.

* * *

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خدمت در عرصه‌های اجرایی را برگزید تا کارآمدی اسلام در عرصه‌ی کشورداری را به اثبات برساند و آیت‌الله مصباح نیز مهم‌ترین تکلیف خود را خدمت در میدان دفاع ثوریک از اسلام و نظام جمهوری اسلامی دانست. هاشمی برای عسل به تکلیف خویش دشوارترین مسئولیت‌های ممکن چون عضویت در شورای انقلاب، ریاست مجلس شورای اسلامی، مسئولیت جنگ، مسئولیت ریاست جمهوری کشوری، که هشت سال جنگ را پشت سر گذاشته و از نابسامانی‌های بسیاری رنج می‌برد، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و... را پذیرفت و مصباح نیز در نقد و مناظره‌ی علمی با اندیشه‌های التقاطی و مارکسیستی، دفاع ثوریک از نظام جمهوری اسلامی، انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها، ایجاد تحول در نظام حوزه‌های علمیه، تربیت طلاب مستعد و حضور در کنفرانس‌ها و مجامع داخلی و خارجی برای دفاع از مبانی اسلام و جمهوری اسلامی و... نقشی ویژه و کم‌نظیر داشت.

هاشمی و مصباح گرچه هر یک مسئولیتی متفاوت را عهده دار بودند، اما یکدیگر را از حمایت‌های خود بی‌نصیب نمی‌گذاشتند. آنگاه که مصباح تصمیم گرفت تا برخی از شاگردانش را برای تحصیل به برخی از دانشگاه‌های خارج از کشور بفرستد، این هاشمی بود که زمینه‌ی بهتری را برای او فراهم آورد و اما مصباح، گرچه نسبت به برخی از عملکردهای دولت سازندگی انتقاد داشت ولی نه تنها این انتقادات را رسانه‌ای نمی‌کرد بلکه حتی پس از پایان دولت هاشمی از کلیت عملکرد او نیز دفاع کرد.

* * *

دوران هشت ساله‌ی ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به پایان خود نزدیک می‌شد و گروه‌ها، شخصیت‌های دینی و سیاسی، احزاب و مردم هر یک به فکر رئیس‌جمهوری شایسته بودند تا مدیریت اجرایی کشور را برای یک دوره‌ی جدید بر عهده گیرد. حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر ناطق نوری (ریاست وقت مجلس شورای اسلامی) مهم‌ترین شخصیتی بود که به صورت طبیعی در کانون توجه بسیاری از شخصیت‌های دینی و سیاسی قرار داشت.

مجمع روحانیون مبارز تهران به فکر یافتن رقیبی جدی برای او بود. تلاش آنها برای قانع کردن مهندس میرحسین موسوی، نخست‌وزیر دوران جنگ به نتیجه نرسید و در نهایت به کاندیداتوری حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی، وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی، رضایت دادند.

عملکرد خاتمی در وزارت ارشاد و تفکرات روشنفکرانه‌ی او که گاه با اندیشه‌های متفکران غربی قرابتی مشهود داشت، نگرانی بسیاری از علمای دینی و گروه‌های مذهبی را نسبت به آینده‌ی کشور (به خصوص از نظر فرهنگی) برانگیخت. این نگرانی با حمایت طیف گسترده‌ای از روشنفکران و حتی اپوزیسیون نظام از خاتمی، تشدید شد و در نتیجه بسیاری از علما و اندیشمندان شناخته شده‌ی حوزه و از جمله آیت‌الله مصباح یزدی از کاندیداتوری «ناطق نوری» حمایت کردند.

اما مردم به دلایلی که در جای خود قابل بحث و بررسی است «خاتمی» را با بیش از ۲۰ میلیون رأی در دوم خرداد ۱۳۷۶ به عنوان رئیس‌جمهور برگزیدند. پس از انتخاب شدن «سید محمد خاتمی» به عنوان پنجمین رئیس‌جمهور اسلامی ایران، بسیاری از علما و شخصیت‌های دینی و سیاسی به تبریک یا حمایت از وی به عنوان رئیس‌جمهور منتخب ملت پرداختند. آیت‌الله مصباح یزدی نیز علی‌رغم حمایت خود از «ناطق نوری» از جمله کسانی بود که در برخی از مواضع و سخنرانی‌های خود به حمایت از رئیس‌جمهور منتخب ملت ایران پرداخت.



پس از دوم خرداد ۷۶، در حالی که بسیاری از مردم منتظر ایجاد تحول در مدیریت‌ها و جهت‌گیری این تحولات به سمت برطرف کردن مشکلات اساسی جامعه بودند،

طولی نکشید که قوه‌ی مجریه که هر روز بیش از پیش شکلی حزبی به خود می‌گرفت، به‌جای آنکه تمام همت خود را صرف پرداختن به مشکلات اصلی مردم کند به برخورد‌های حزبی و میدان دادن به عناصر مطرود فکری روی آورد.

در اثر ایجاد چنین فضایی بود که آنها با حمایت‌های بی‌دریغ برخی از ارکان دولت همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق کتاب‌ها، فیلم‌ها و مطبوعات متعدد با گرایش‌های سکولاریستی و پلورالیستی به تضعیف دین، انقلاب و ارزش‌هایی که جان‌های بسیاری برای استقرار آنها فدا شده بود روی آوردند.

آری جبهه‌ی دوم خرداد در اوج تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام و نظام اسلامی به‌جای حراست از مرزهای عقیدتی و فرهنگی جامعه دائماً از «تساهل و تسامح فرهنگی» دم می‌زد و بر «آزادی مخالف» به عنوان مهم‌ترین شعار خود تأکید می‌ورزید و این چنین بود که زمینه‌ی تهاجم دشمنان خارجی و ایادی داخلی آنان به دین و ارزش‌های اسلامی بیش از پیش فراهم گردید. همراه شدن این تهاجمات با فضای باز و بدون نظارت دقیق، مستمر و پیگیر مسئولان فرهنگی - سیاسی کشور، به‌ویژه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علما و اندیشمندان اسلامی را به تلاشی مضاعف واداشت. آنان ضمن انتقاد از دولت به‌خاطر فضای به وجود آمده، به دفاع از مبانی اسلام و روشنگری مردم پرداختند که البته در این میان آیت‌الله مصباح نقشی ویژه و استثنایی داشت. وی با سخنان و استدلال‌های خود به ویژه در سخنرانی‌های پیش از خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران که هر دو هفته یک بار برگزار می‌شد، به مبانی فکری آنها بازبانی همه‌فهم، پاسخ می‌گفت. مطبوعات و شخصیت‌های ژورنالیستی که از پاسخگویی علمی به گفته‌های «مصباح» ناتوان بودند، با فراموشی همه‌ی شعارهای زیبا و دل‌فریشان مبنی بر لزوم آزادی، تحمل مخالف، جامعه‌ی چند صدایی، احترام به شخصیت و کرامت‌های انسانی و... با طرح سخنان دروغ و تحریف و تقطیع سخنان ایشان تلاش کردند تا چهره‌ای متحجر از وی، به نمایش بگذارند. این سیاست از طرف جبهه‌ی دوم خرداد به شدت دنبال می‌شد!

البته در این میان هیچ اتهامی دردناک‌تر از عدم برخورداری آیت‌الله مصباح از سوابق مبارزات انقلابی، پیروی از تفکر انجمن حجتیه و مخالفت با اندیشه‌های تابناک حضرت امام خمینی علیه السلام نبود. اما «حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» رهبر معظم انقلاب با دفاع قاطع از

«آیت الله مصباح» و انتقاد از تهاجم گسترده‌ی مطبوعاتی به ایشان، وی را بدیل «شهید مطهری» و «علامه طباطبایی» در زمان کنونی دانستند. سخنان مقام معظم رهبری محبوبیتی خاص به آیت الله مصباح بخشید و موجبات گرایش جوانان تشنه‌ی معارف ناب اسلامی به ایشان و آثارشان را فراهم آورد.

* * *

جبهه‌ی دوم خرداد سعی می‌کرد با سوءاستفاده از شخصیت محبوب رئیس جمهور، او را وارد مناظره‌ای غیر حضوری با آیت الله مصباح کند؛ مناظره‌ای که از طریق تریبون‌های رسمی نظام صورت می‌پذیرفت. بر همین اساس «خاتمی» اولین کسی بود که لقب «تئورسین خشونت» را به «مصباح» داد. اما آیت الله مصباح به صورت رسمی و از طریق تریبون نماز جمعه از حجة الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی دعوت کرد تا به جای آنکه از دور و با استناد به سخنان تحریف شده با او سخن بگوید در یک مناظره‌ی رو در روی تلویزیونی شرکت کرده و با یکدیگر به گفتگو بنشینند. اما «خاتمی» هرگز حاضر به شرکت در این مناظره نشد.

جبهه‌ی دوم خرداد به جای «خاتمی»، حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد حجتی کرمانی را به مناظره‌ی تلویزیونی با آیت الله مصباح فرستاد. مناظره‌ای که تنها شرط آیت الله مصباح از پذیرش آن، پخش زنده‌ی تلویزیونی بود، اما با عدم پذیرش این شرط از سوی حجتی کرمانی و کوتاه آمدن «مصباح» از شرط خود، این مناظره ابتدا ضبط و سپس پخش شد. عدم پوشش تبلیغاتی مناسب از جانب مطبوعات جبهه‌ی دوم خرداد نسبت به این مناظره، یک پیام آشکار بیشتر نداشت، لذا چندی بعد «سید عطاء الله مهاجرانی» اولین وزیر ارشاد دولت خاتمی، «آیت الله مصباح» را به مناظره فرا خواند و «مصباح» نیز بلافاصله این دعوت را پذیرفت، اما این مناظره نیز همچون دعوت‌های مکرر «آیت الله مصباح» از «دکتر عبدالکریم سروش»، مهم‌ترین مروج اندیشه‌های غربی در ایران، به سر انجام نرسید.

جریان مدعی اصلاح طلبی گمان می‌کرد بدون داشتن پشتوانه‌ی قوی علمی و دینی به‌خصوص در میان علما، روحانیون و حوزه‌های علمیه می‌تواند کاری از پیش ببرد. این در حالی بود که استاد شهید مرتضی مطهری سال‌ها پیش بر این مسئله تأکید ورزیده بود

که: «قدر مسلم این است که هرگونه صلاح و اصلاحی در کار مسلمین رخ دهد یا باید مستقیماً به وسیله‌ی این سازمان [سازمان روحانیت] که بسمت رسمی رهبری دینی مسلمین را دارد صورت بگیرد یا لافل این سازمان با آن هماهنگی داشته باشد. اگر به فرض حرکتی اصلاحی و دینی از ناحیه‌ی فرد یا افرادی آغاز گردد و سازمان روحانیت آمادگی و هماهنگی نداشته باشد گمان نمی‌رود موفقیت زیادی نصیب گردد».^(۱) اما اصلاح طلبان نه تنها از این مسئله غافل بودند بلکه با تضعیف دین، ارزش‌های اسلامی و حوزه‌های علمیه موجبات مرگ زودرس آنچه را که «اصلاحات» می‌نامیدند، فراهم کردند.



اشتباهات متعدد جبهه‌ی دوم خرداد باعث شد تا کم‌کم از اقبال مردم به آنها کاسته شده و به منتقدان دولت روی آورند. منتقدان با استفاده از این زمینه ابتدا اکثریت شوراهای اسلامی شهر و روستا و سپس اکثریت مجلس هفتم را به دست گرفتند. در حالی که دوران ریاست جمهوری حجة الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شد، جبهه‌ی دوم خرداد به دنبال جایگزینی که از مقبولیت مردمی مناسبی برخوردار بوده و لافل توان زنده نگه داشتن شعارها و سیاست‌های این جبهه را داشته باشد، می‌گشت تا از این طریق جلوی از دست دادن قوه‌ی مجریه را بگیرد؛ اما از آنجا که نتوانستند نسبت به کاندیداتوری شخصیت واحدی به توافق برسند با سه نامزد شاخص یعنی حجت الاسلام والمسلمین کروبی، دکتر مصطفی معین و مهندس محسن مهرعلیزاده وارد عرصه‌ی رقابت‌های انتخاباتی شدند. از منتقدان دولت که اینک اصولگرایان نامیده می‌شدند نیز افراد متعددی برای نامزدی در این انتخابات مطرح بودند. دکتر علی اکبر ولایتی، دکتر علی لاریجانی، دکتر احمد توکلی، دکتر محسن رضایی، دکتر محمدباقر قالی‌باف و دکتر محمود احمدی‌نژاد. در این میان اتفاق دیگری در حال وقوع بود، گروهی از فعالان سیاسی خواستار حضور مجدد آیت الله هاشمی رفسنجانی در عرصه‌ی انتخابات ریاست جمهوری بودند،

۱. مرعشی مطهری، ده گفتار. مقاله‌ی مشکل اساسی سازمان روحانیت، ص ۲۳۷

اما هاشمی بر این مسئله تصریح می‌کرد که خواستار وفاق نیروهای اصولگرا حول کاندیدای واحد جوان‌تری است. وی در عین حال احتمال ورود خود به این عرصه را در صورت عدم معرفی کاندیدای واحد اصولگرا که توانایی کسب آرای اکثریت مردم را داشته باشد، منتفی نمی‌دانست. به هر حال چنین توافقی حاصل نشد؛ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز با اعلام اینکه تلاش او برای ایجاد وحدت در نیروهای اصولگرا به نتیجه نرسیده است، ضمن صدور بیانیه‌ای نامزدی خود در این انتخابات را اعلام کرد.

با اعلام کاندیداتوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، دکتر ولایتی نیز به علت حضور ایشان از نامزدی در این انتخابات منصرف شد. بدین ترتیب صحنه‌ی انتخابات به رویارویی سه جریان اصولگرایان، اصلاح‌طلبان و حامیان «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» (که شامل افرادی از هر دو گروه بود) تبدیل شد.



«آیت‌الله مصباح» نیز از جمله شخصیت‌های مخالف با نامزدی «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» بود. «مصباح» بدون نام بردن از «هاشمی» به برخی از مصاحبه‌ها و سخنان او انتقاد کرده و از تداوم سیاست‌های فرهنگی اصلاح‌طلبان و استمرار حضور آنها در عرصه‌های فرهنگی و اجرایی کشور در صورت انتخاب مجدد هاشمی به ریاست جمهوری نگران بود!^(۱) لذا تمام تلاش خود را بکار بست تا توجه نیروهای مذهبی را به یکی از کاندیداهای جبهه‌ی اصولگرا معطوف کند.

او از ماه‌ها قبل از شروع رسمی تبلیغات کاندیداها، در سخنرانی‌های خود بر اهمیت این دوره تأکید می‌کرد. آیت‌الله مصباح در آن مقطع تنها به بیان ملاک‌ها و اموری که به انتخاب اصلح منتهی می‌شد بسنده کرده، و هرگونه حمایت از شخص خاصی را رد می‌کرد. وی حتی در سخنرانی درباره‌ی نامزدهای مطرح در این دوره از انتخابات، گفت: «در بین این‌هایی که نامزد شده‌اند، کسی را که آدم صد در صد با خیال راحت به او رأی بدهد نمی‌شناسم، ولی به این معنا نیست که رأی نمی‌دهیم. باید بگویم که اتفاقاً در اثر

۱. درباره‌ی انتقادات آیت‌الله مصباح از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، به بخش مربوط به نهمین دور از انتخابات ریاست جمهوری در همین کتاب رجوع کنید.

کم‌اهمیت شدن پایبندی به ارزش‌ها و احکام دین، تکلیف ما مضاعف شده». اما هرچه تبلیغات انتخاباتی به روز رأی‌گیری نزدیک‌تر می‌شد لحن سخنان آیت‌الله مصباح نیز به نفع دکتر احمدی‌نژاد متمایل می‌گردید. آیت‌الله مصباح تلاش می‌کرد تا بدون تصریح بر نام کاندیدای مورد نظر خود به صورت ضمنی پرسش‌هایی را که درباره‌ی صلاحیت‌های دکتر احمدی‌نژاد مطرح می‌شد پاسخ گوید. دکتر احمدی‌نژاد نیز با اتخاذ ادبیاتی دینی و انتقادهای تند و تیز از عملکرد دولت‌های گذشته - به‌ویژه در زمینه‌ی عدالت اقتصادی - توانست بدنه‌ی نیروهای مذهبی به‌خصوص طلاب جوان را با خود همراه کند.

* * *

حمایت آیت‌الله مصباح به عنوان شخصیتی که از جانب مقام معظم رهبری به عنوان مطهری زمان معرفی شده بود، همراهی بسیاری از شاگردان ایشان، طلاب و روحانیان جوان و نیز بسیاری از فعالان مذهبی و سیاسی در سراسر کشور را در حمایت از دکتر احمدی‌نژاد به دنبال داشت. بسیاری از حامیان تأثیرگذار احمدی‌نژاد با ایمانی که به نظرات آیت‌الله مصباح داشتند تردیدهای خود نسبت به کارآمدی دکتر احمدی‌نژاد را به فراموشی سپردند؛ تردیدهایی که منشأ آنها عدم تجربه‌ی وی در مدیریت‌های کلان کشوری بود.

نتایج آرای به دست آمده در مرحله‌ی اول انتخابات اعلام شد: «علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی با ۶۱۹۰۱۱۴ رأی و محمود احمدی‌نژاد با ۵۷۱۸۱۲۹ رأی به مرحله‌ی دوم انتخابات راه یافتند.

پیش‌بینی پیروزی احمدی‌نژاد بر هاشمی رفسنجانی در مرحله‌ی دوم انتخابات نیز با توجه به در معرض نقد بودن هاشمی در طول ۲۷ سال گذشته، مسئله‌ی دشواری نبود. در مرحله‌ی دوم انتخابات که یک هفته بعد برگزار شد، دکتر محمود احمدی‌نژاد با کسب ۱۷ میلیون و ۲۴۸ هزار و ۷۸۲ رأی موفق به کسب اکثریت آرای مأخوذه شد. طبق اعلام ستاد انتخابات وزارت کشور، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز ۱۰ میلیون و ۴۶ هزار و ۷۰۱ رأی را از آن خود کرد.

آیت‌الله مصباح گرچه در طول انتخابات هرگز نامی از کاندیدای مورد نظر خویش

نبرد، اما عسلاً جریان حامی دکتر احمدی نژاد را تا برگزیده شدن وی به ریاست جمهوری اسلامی ایران مدیریت کرد.

دکتر احمدی نژاد نیز در اولین دیدار خود (پس از برگزیده شدن به عنوان ششمین رئیس جمهوری اسلامی ایران) با آیت الله مصباح یزدی، گفت: «من به سهم خودم می خواستم یک تشکر هم بکنم، البته به عنوان یک فرد مسلمان ایرانی که خودش از این موج معنوی که در کشور راه افتاده بهره می برد، می خواستم تشکر بکنم از حضرتعالی آیت الله مصباح که با درایت و بزرگواری در این صحنه وارد شدید و مدیریت کردید و از همه ی عزیزان، یاران حضرتعالی، فضلا و طلاب و عزیزانی که برای تداوم آن حرکت عظیم حقیقی وارد شدند و تلاش کردند و زحمات فراوانی کشیدند».



درباره ی این کتاب

«گفتمان مصباح» گزارشی، گویا و روشنگر درباره ی سوابق مبارزاتی و مواضع فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آیت الله مصباح یزدی از سال های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان نهمین دوره ی انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ است. بر همین اساس، در فصل اول این کتاب «نگاهی گذرا به زندگانی علمی و معنوی» ایشان انداخته ایم. در فصل دوم نیم نگاهی به سوابق مبارزاتی وی در جریان پیروزی انقلاب اسلامی با عنوان «دوران مبارزه» داشته ایم. در فصل سوم، فعالیت های ایشان «از پیروزی انقلاب تا خرداد ۷۶» را مورد بررسی مختصر قرار داده ایم. در فصل چهارم با عنوان «آیت الله مصباح، دکتر شریعتی و شهید بهشتی» به بررسی انتقادهای آیت الله مصباح نسبت به برخی از افکار دکتر شریعتی و رابطه ی ایشان با شهید بهشتی پرداخته ایم. فصل پنجم این کتاب با عنوان «مناظره» نیز شامل ۱۸ موضوع است که در هر یک به گزارش نزاعی علمی، فرهنگی، سیاسی و یا اقتصادی میان آیت الله مصباح و گروه ها یا شخصیت های دیگر پرداخته شده است. «آیت الله مصباح از نگاه مقام معظم رهبری» عنوان فصل ششم این کتاب است. فصل هفتم کتاب نیز به «ضمیمه ها» اختصاص یافته است.

در پایان توجه خوانندگان گرامی را به نکات زیر جلب می کنیم:

۱. پیش از این کتاب دیگری با عنوان «مصباح دوستان» به قلم اینجانب منتشر شد^(۱)، لکن با توجه به نیازی که در تکمیل مباحث و رفع نواقص آن احساس می‌شد، به تکمیل و بازنویسی کتاب مذکور پرداختم که نتیجه‌ی کار، هم از نظر جامعیت، تنوع، حجم و فصل‌بندی مباحث و هم از نظر نوع پردازش مطالب تفاوت‌های بسیاری کرد، اما به دلیل بروز پاره‌ای اختلافات با طرف قرار داد قبلی، بنا بر این شد که دیگر کتابی با عنوان «مصباح دوستان» منتشر نشده و عنوان دیگری بر این مجموعه نهاده شود که در نهایت «گفتمان مصباح» به عنوان نام جدید کتاب انتخاب شد.
۲. مراحل مختلف نگارش این مجموعه قریب به چهار سال به طول انجامیده و برای نگارش آن، بیش از ۱۱۰۰ مقاله و خبر در نقد سخنان آیت‌الله مصباح، مورد مطالعه قرار گرفته است که با حذف موارد مشابه به برخی از آنها در متن و یا پاورقی کتاب استناد شده است.
۳. آنچه در رابطه با سوابق مبارزاتی آیت‌الله مصباح در این کتاب منتشر شده است، تنها بخشی از اسنادی است که به آنها دست یافته و به فراخور حال و هوای کتاب در متن و یا در بخش ضمیمه‌ها آورده‌ام که در همین جا از همکاری «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» نیز به جهت ارائه‌ی بخشی از این اسناد تشکر می‌کنم.
۴. متن پیاده شده‌ی نوار مصاحبه‌ی مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) با حضرت آیت‌الله مصباح یزدی - که در سال ۱۳۷۱ صورت پذیرفته - نیز از «بخش آرشیو جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم» تهیه شده است^(۲) که از همکاری مسئول پروژه‌ی تدوین تاریخچه‌ی جامعه‌ی مدرسین در این باره تشکر می‌کنم.
۵. معتمد؛ دخل و تصرف در مواضع شخصیت‌های (به هر انگیزه‌ای) خود مصداقی از تحریف و دست بردن در اسناد تاریخی است. لذا تلاش کرده‌ام تا مهم‌ترین مواضع ایشان را در فاصله‌ی زمانی مذکور - بدون دخل و تصرف - در این کتاب نقل کنم.
۶. در مواردی برای حصول اطمینان از صحت و سقم اخبار نقل شده از

۱. مصباح دوستان در سه نوبت و مجموعاً با تیراژ ۷۵۰۰ نسخه منتشر شد.

۲. نوار این مصاحبه توسط مرکز پژوهش‌های اسلامی سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران پیاده شده بود.

سخنرانی‌های آیت‌الله مصباح در نشریات، به نوار سخنرانی ایشان مراجعه شده و عین عبارات وی آورده شده است.

۷. این کتاب مشتمل بر ۱۴۷۱ پاورقی به عنوان آدرس و یا توضیح مطالب بیان شده است.

۸. برای آشنایی بیشتر خوانندگان با فضای سیاسی و مطبوعاتی آن زمان، بیش از ۵۰ صفحه از این کتاب نیز به تصاویری از روزنامه‌ها، متناسب با مطالب کتاب در صفحات داخلی اختصاص یافته است.

۹. در بخش ضمیمه‌های کتاب نیز لیستی از مجموعه‌ی مقالاتی که درباره‌ی مواضع آیت‌الله مصباح در نشریات مختلف منتشر شده، همچنین لیستی از مجموعه‌ی آثار آیت‌الله مصباح ارائه گردیده است.

۱۰. ایده‌ی نگارش این اثر از سوی نویسنده بوده و هیچ‌گونه سفارشی از جانب دفتر یا مرکزی خاص نسبت به نگارش آن وجود نداشته است و این البته منافاتی با همکاری دفتر آیت‌الله مصباح با اینجانب در ارائه‌ی بخشی از منابع مورد نیاز^(۱) و یا بهره‌مندی از نظر برخی از دوستان در نگارش آن ندارد.

۱۱. تلاش نویسنده بر آن بوده است که به روایت‌گری و مستندسازی وقایع اکتفا کند، اما گاهی در متن یا پاورقی به داوری و بیان نظرات خود نیز پرداخته است.

۱۲. به هر حال «گفت‌مان مصباح» بیانگر بخش‌هایی تلخ و شیرین از تاریخ انقلاب اسلامی ایران از منظری خاص است. به یقین، نظرات مفید و سازنده‌ی شما محققان و پژوهندگان ژرف‌کاو عرصه‌ی تاریخ انقلاب نیز پاسخ شایسته‌ای برای تلاشی که در این راستا صورت گرفته است، خواهد بود.

۱۳. در پایان از «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» به خاطر انتشار شایسته‌ی این اثر کمال تشکر را دارم و بر خود لازم می‌دانم که از تمام عزیزانی که اینجانب را با نظرات سازنده‌ی خود در تدوین و نگارش این مجموعه یاری رساندند، تشکر کنم و توفیق

۱. بخشی از اسناد مبارزات انقلابی آیت‌الله مصباح و اخبار و مقالات روزنامه‌ها در نقد سخنان ایشان و جوابیه‌های آنها و نیز برخی از نوارهای سخنرانی آیت‌الله مصباح به تقاضای نویسنده برای نگارش این کتاب در اختیار اینجانب قرار گرفت که از همکاری آن دفتر کمال تشکر را دارم.

همه‌ی خدمتگزاران به اسلام و مسلمین را از خداوند منان خواستارم.

رضا صنعتی

۲۵ فروردین ۱۳۸۶

www.ketab.ir